■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN1735-3637
■ پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir
■ www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌های اصفهان، اهواز، تبریز، ساری و همدان (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

شنبه ۲۲ دی ۱۳۹۷ | ۵ جمادی الاولی ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۹۷ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Saturday - 2019 Jan 12

حدیث روز: پیامبر اسلام(ص)

بحارالانوار:
برکت با سالمندان شما قرین است.

پلک احساس: ابوسعید ابوالخیر

انده و اندیشه را دراز چه داری
دولت تو خود همان کند که بباید

امروز در تاریخ:

- ولادت حضرت زینب (س) (۵ ق) / روز پرستار
- تشکیل شورای انقلاب به فرمان امام خمینی(ره) (۱۳۵۷ ش)
- شهادت دکتر مسعود علی محمدی، استاد فیزیک دانشگاه تهران و دانشمند هسته‌ای ایران (۱۳۸۸ش)
- درگذشت ابوسعید ابوالخیر، عارف و شاعر نامدار ایرانی قرن چهارم و پنجم (۴۲۸ ق)
- تصرف قصر شیرین توسط انگلیسی‌ها (۱۹۱۸)
- درگذشت فیروز بهجت‌محمدی، بازیگر (۱۳۷۸)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۱۲ | غروب آفتاب: ۱۷/۱۱
اذان مغرب: ۱۷/۳۱ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۸
اذان صبح (فردا): ۵/۴۵ | طلوع خورشید(فردا): ۷/۱۴

پیش‌بینی آب و هوا یکشنبه

تهران	اهواز	اصفهان	تبریز	شیراز	مشهد	قزوین	گرگان
۱۱ / ۵	۱۹ / ۱۴	۱۱ / ۱	۶ / ۰	۱۸ / ۴	۱۳ / ۱	۱۰ / ۲	۱۷ / ۷

حکمت ۴۵۱: نهج‌البلاغه

دوری تو از آن کس که خواهان توست، نشانه کمبود بهره تو در دوستی است و گرایش تو به آن کس که تو را نخواهد، سبب خواری توست.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با سلمان فرخنده؛ بازیگر سریال «مینو»

من را با «عمو خسرو» مقایسه نکنید

باران باستانی
روزنامه‌نگار

یکی از سه بازیگر اصلی سریال «مینو» است که از شبکه یك پخش می‌شود اما بیشتر به‌خاطر شباهت ظاهری و صدایش به زنده‌یاد خسرو شکیبایی شهرت یافته است، البته بین کسانی که به استاد شکیبایی ارادت دارند و سبك بازی او را به‌خاطر سپرده‌اند و هنوز هم برخی از آثار خوب این بازیگر از جمله هامون را وقت و بی‌وقت تماشا می‌کنند. اما سلمان فرخنده، بازیگر نقش عماد دوست ندارد درباره این شباهت صحبت کند. گویا خسته شده بس که بهش گفته‌اند و او توضیح داده. فرخنده که فیلمنامه‌نویس هم هست در یکی از مصاحبه‌هایش از این که مردم احساس می‌کنند، شباهت زیادی به مرحوم شکیبایی یا به گفته خودش عمو خسرو دارد احساس خشنودی کرده و یادآور شده که این شباهت کاملا اتفاقی است و او تلاشی برای آن نکرده و اهل تقلید و کپی‌برداری نیست.

فرخنده متولد اول دهه ۶۰ است، متعلق به نسلی است که این روزها تلاش می‌کنند، سکاندار کشور شوند و توانایی‌های خود را نشان دهند. متعلق به نسلی که سعی می‌کند، جوانگرایی را بر تفکر کهنسال پسندی غالب کند و شرایطی را فراهم سازد تا جامعه هوای تازه‌ای را تنفس کرده و حالش بهتر شود. فرخنده توانسته در حوزه بازیگری دیده شود، هر چند خودش می‌گوید، حرفه اصلی‌اش نوشتن است و بیشتر وقتش را به فیلمنامه‌نویسی اختصاص می‌دهد اما چون بازیگران بیشتر دیده می‌شوند بازی او در سریال‌هایی مانند مینو، آسپرین و بچه مهندس دیده شده است. در این میان گلایه‌ای هم می‌کند از کسانی که حرفه نویسندگی و فیلمنامه‌نویسی را نادیده گرفته و به آن توجه نمی‌کنند.

به فرخنده می‌گویم، خوش به حال آقای شکیبایی که آن‌قدر خوب زندگی کرد و آن‌قدر خاطره خوب در ما به یادگار گذاشت که حالا حتی وقتی بازیگری می‌بینیم که به او شباهت دارد، حالمان خوب می‌شود و سراغش را می‌گیریم. چقدر خوب است که آدم‌ها در ذهن دیگران خاطره خوب بسازند. از فرخنده می‌خواهم از خاطراتش در دهه ۶۰ بگوید و از نوع زیستش و آنچه او را به سمت بازیگری برد. بازیگر نقش عماد می‌گوید: خاطرات من از این دهه مثل خاطرات همه مردم است. همان چیزهایی را تجربه کردم که دیگران. در کلیت همه آدم‌ها شبیه هم هستند و تنها چیزی که آنها را از یکدیگر متفاوت می‌کند، انتخاب‌هایشان است. برای من نوشتن و بازیگری جذاب بود و انتخاب‌هایم به سمتی رفت تا مرا به این دو هدف برساند.

با فرخنده درباره شانس صحبت می‌کنم و این‌که چقدر به این مقوله باور دارد. می‌گوید: من به همه چیز اعتقاد دارم. همه آن چیزهایی که در جهان هستی و کائنات وجود دارند. من به درخت و به آسمان و دریا اعتقاد دارم و انتهای همه اینها می‌رسد به خدایی که همه چیز را آفریده است.

به بازیگر آسپرین می‌گویم در این دنیا که به نظر شما چنین به یکدیگر پیوسته است... حرفم را قطع می‌کند و می‌گوید: منظور من پیوستگی اجزای دنیا یا نظم آن نبود چون معتقدم در بی‌نظمی است که نظم به وجود می‌آید. اعتقادات من بسیار گسترده است، به دنیاهای موازی معتقدم همچنان که به دنیای پس از مرگ هم اعتقاد دارم. دنیا چنان گونه به‌گونه است که نمی‌توان آن را پیوسته دانست، هر چند نظم موجود در جهان مانند نخ تسبیح همه‌چیز را به‌هم ربط داده است.

سلمان فرخنده به نکته دیگری هم در صحبت‌هایش اشاره می‌کند که به نظریه کوانتوم و آشوب اعتقاد دارد. می‌گویم یعنی منتظر غافلگیری هستید؟ می‌گوید: شاید دایره کلماتمان با هم فرق دارد شما می‌گویی غافلگیری، من می‌گویم دنیای پر از معجزه. دنیا مدام در حال غافلگیری ماست. من الان در جاده در حال حرکت هستم تا به مقصد برسم اگر سالم برسم یعنی معجزه است. اما آن‌قدر این مسیر را طی کرده و همیشه سلامت به مقصد رسیده‌ام، معجزه را نمی‌بینم. معتقدم وقتی مرگ هر لحظه در کمین ماست، این‌که هر صبح بیدار می‌شوم، معجزه است. طلوع خورشید هر روز و هر روز غافلگیری بزرگی است که آن را نادیده می‌گیریم.

فرخنده گفت به قانون کوانتوم اعتقاد دارد، قانونی که می‌گوید: این انسان است که تعیین می‌کند زندگی‌اش باید چگونه باشد نه شرایط پیرامون. از بازیگر سریال بچه مهندس می‌پرسم، چگونه بر شرایط پیرامونت غلبه می‌کنی؟ در جواب می‌گوید: با انتخاب‌هایم. رسیدن به اهداف و آنچه که می‌خواهم ربط مستقیمی دارد به انتخاب، انگیزه و اقدام‌هایی که انجام می‌دهی. از زمین خوردن نباید هراسید، زندگی و شرایط ما را بارها زمین می‌زند اما ما باید بلند شویم و دوباره و دوباره به راهمان ادامه دهیم.

موضوع اصلی سریال مینو درباره عشق است هر چند فرخنده می‌گوید موضوع اصلی این سریال، انسان است. از او می‌خواهم نظرش را درباره عشق بگوید. فرخنده بر این باور است که انسان بی‌نهایت خاستگاه دارد که یکی از آنها عشق است. از آنجا که در موقعیت‌های مختلف انسان‌ها، واکنش‌های مختلفی از خود نشان می‌دهند؛ در برابر کلمه، واژه و موقعیت عشق هم واکنش‌ها متفاوت است. نظر شخصی من درباره عشق خیلی شخصی است و متعلق به سلمان فرخنده است و به کار دیگران نمی‌آید، به همین دلیل لزومی ندارد درباره آن صحبت کنم.

مقطع حساس کنونی

داستان نتیجه‌دار عشق و سکوت و مرگ

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در یکی از شهرهای خارج، پسری که به‌شدت ازدواجی بود و همواره قصد ازدواج داشت، پس از جست‌وجو و تحقیق و تفحص بسیار در مورد دختران فامیل و دختران محل و دختران دانشکده، در نهایت به دختری که در کتابفروشی بزرگ شهر کار می‌کرد متمایل شد و تصمیم گرفت با او ازدواج کند. او هر روز، به‌رغم این‌که قیمت کاغذ و متعاقبا کتاب در اثر فعالیت‌های مافیای قاچاق کاغذ سر به فلك گذاشته بود، از بابایش پول می‌گرفت و برای این‌که بتواند دختر کتابفروش را ببیند، به کتابفروشی بزرگ شهر می‌رفت و یك کتاب می‌خرید و به خانه برمی‌گشت. اما ناگهان دیگر از پسر کتاب‌خر خبری نشد. دختر کتابفروش که متوجه حضور غیرعادی پسر و در ادامه غیبت غیرعادی او شده بود، با هر زحمتی بود خانه پسر را پیدا کرد و به آنجا رفت و سراغ او را گرفت. مادر پسر به او گفت: «پسرم ناگهان بیمار شد و چند روز بعد نیز به دیار باقی شتافت.»

دختر از مادر پسر خواست اتاق پسر را به او نشان بدهد. مادر پسر اتاق پسر را به دختر نشان داد و دختر در آنجا کتاب‌های خریداری‌شده را دید که لایشان هم باز نشده بود.

پرسش: دختر از کجا فهمید که لای کتاب‌ها باز نشده است؟

پاسخ: از آنجا که دختر نیز در پی مورد مناسب برای ازدواج بود و حجب و حیای پسر توجه او را به خود جلب کرده بود، برای او نامه‌هایی نوشته و لای کتاب‌ها قرار داده بود، اما پسر هیچ‌کدام از آنها را نخوانده بود، چراکه اگر خوانده بود لابد یك چیزی می‌گفت خب.

نتیجه: اگر قصد ازدواج دارید، و مورد مناسبی پیدا کرده‌اید، یا. با حفظ حرمت‌ها. به خودش، یا به پدر و مادرش، یا لااقل به پدر و مادر خودتان جان بکنید بگویید. نمی‌میرید. بلکه همان‌طور که مشاهده کردید، اگر نگویید، می‌میرید و روی قبرتان می‌نویسند جوان ناکام و خاموش می‌شوید.

راپورت‌های میرزا ادریس

در باب پولی شدن تونل‌های شهر طهران

محضر باسعادت ریاست عمارت فخیمه بلدیه طهران میرزا پیروزخان حناچی سلام علیکم

و اما بعد؛ خبر استفاده از مترو و تاکسی و این اواخر دوچرخه را از جنابتان در مطبوعه مجازستان دیدیم و فوق‌النهایه به جنابتان ارادت پیدا کردیم. الیوم میرزا خشایارخان مباشر عمارت راپورت آورده‌اند که ارادتمان چندین برابر گشت؛ گویا آن اداره فخیمه پولوتیك کرده‌اند به جهت رتق و فتق امورات مالی و درآمدی طهران، بعض از تونل‌های این شهر پولی شده و برای عبور کالسکه دودی رعیت از آن بر دهانه تونل‌ها مواجب بگیر گذاشته تا خراج عبور از تونل ندهند احدالناسی حق عبور ندارد. بسیار به مذاقمان خوش آمده و احسنت‌ها فرمودیم بر این تدبیر دقیق. این رعیت گیوه‌سوخته همین است تا چوب و مواجب بالای سرش نباشد حساب کار دستش نمی‌آید. داریم خفه می‌شویم در این طهران لاکردار. پولوتیك سابق بر این دولت هم بسیار به قاعده بود. قیمت خودرو را چنان به افلاك بردند که هیچ تنابنده جرات خرید خودرو در سر نپرورانده و هرکه هم خودرو دارد از ترس تصادف و لوازم یدکی و هزار درد بی‌درمان دیگر ترجیح داده ارابه در منزل گذاشته پیاده گز کند. همین پولوتیك عالیه باعث گردیده که کمی صبح‌ها کمتر سرفه بفرماییم. این‌که تونل‌ها هم پولی بشوند و چند خصلت عالیه دارد. یکان آنها همین است که هوای ممالك محروسه پاکیزه می‌گردد. دویم این‌که در مبحث اشتغال همین چند نفری که در منزل بیکارند و نشسته‌اند با دوگیگ اینترنت رایگان فلان می‌کنند و بهمان، یغورها و درشت‌هایش را سواکرده با باتوم و چماق و سمبه داغ بر دهانه تونل بگذارید به خراج گرفتن و از همان مواجب عایدی تونل چیزی هم به جنابشان تقدیم کنید و اشتغالزایی فرمایید. بر فرضی که از این طرح استقبال نشد و رعیت مواجب نداد و تونل‌ها خالی ماند هم چه بهتر. مقادیری خفاش از بلاد اطراف ابتیاع فرموده در تونل‌ها ول کنید، چند تا ستون هم از پروژه‌های تعطیل مانده به شکل قندیل بدهید تراش بدهند و بر سقف تونل آویزان کرده و تونل تغییر کاربری داده به غار تبدیل گردد. فوق‌النهایه مطبوع است و پای توریست‌های چشم‌بور و مو طلایی را به ممالك محروسه باز می‌کند. رجا واثق داریم در ادامه مسؤولیت خطیرتان همین‌طور با تصمیم‌های گهربار و تسمه برگرده رعیت تهران‌نشین بسته تا این پایتخت‌نشینان غرغرو این قدر رفاه‌زده و تن‌پرور و زیاده‌خواه کمی ادب شوند و بفهمند مملکت خرج دارد. زیاده فرمایش نداریم.

پیری خود را ببینید!

در نمایشگاه محصولات مصرفی از اپلیکیشنی رونمایی شده که با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی به فرد نشان می‌دهد ۲۰ سال بعد چه ظاهری دارد. به گزارش مهر، شرکت «Olay» یك اپلیکیشن هوش مصنوعی ساخته که می‌تواند به کاربران راز جوان‌تر به نظر رسیدن را نشان دهد. اما اپلیکیشن «شبیه‌سازی شما در آینده» کمی ترسناك است. این اپلیکیشن به کاربران نشان می‌دهد در آینده چطور پیر می‌شوند و نصایح کاربردی را برای حفظ جوانی به آنها می‌دهد. این اپلیکیشن که در نمایشگاه محصولات مصرفی الکترونیکی نمایش داده شده است، صورت کاربر را به دقت بررسی و سپس الگوریتمی را اجرا می‌کند که برای شناسایی خطوطی طراحی شده که با پیر شدن فرد تغییر می‌کنند. برای این منظور کاربر باید تصویری از خود، سن و نژاد خود را در اپلیکیشن وارد کند. در مرحله بعد کاربر تحلیلی از صورت خود دریافت می‌کند. یك دکمه در انتهای اپلیکیشن به کاربران اجازه می‌دهد خود را ۲۰ سال جوان‌تر یا پیرتر مشاهده کنند. جالب آن‌که اپلیکیشن می‌تواند روند پیری را با سرعت یا به کندی نشان دهد. همچنین این اپلیکیشن می‌تواند تغییرات پوست انسان بدون استفاده از ضدآفتاب یا برعکس را هم نشان دهد.

رژه کابوها در دنور

نمایشگاهی سالانه در شهر دنور آمریکا پای کابوها را به خیابان‌های این شهر باز کرد.

به گزارش فرارو، گله‌های زیادی از گاوها متعلق به کشاورزان، دامداران و کابوها در بزرگ‌ترین نمایشگاه گاو که در دنور برگزار می‌شود شرکت کردند.

بخشی از این گاوهای شاخ بلند متعلق به کابوها بود. آنها سوار بر اسب با شکل و شمایل خاص خود این گاوها را هدایت می‌کردند. این نمایشگاه که قدمت آن به سال ۱۹۰۶ میلادی بازمی‌گردد تا دو هفته ادامه خواهد داشت. هدف از برگزاری این نمایش نشان دادن روش‌های بهتر پرورش گاوهاست.

به گله‌بان‌های سنتی کشورهای آمریکای شمالی کابو یا گاوچران گفته می‌شود. کابوها در دامداری‌ها به پرورش دام کمك می‌کنند و بسیاری از امور مربوط به دامداری را نیز انجام می‌دهند. کابوهای آمریکایی و سبك زندگی آنها بعدها مورد توجه بسیار قرار گرفت و دستمایه داستان‌ها و فیلم‌های زیادی شد.